

مجموعه رباعیات

خمس

ترجمه نظم بازبینی شده

نکته اسلامی

استاد دانشگاه تهران

بر اساس ترجمه کتابی

ادوارد هنری ویلیامز

مقابله، تصحیح و اعراب‌گذاری رباعیات فارسی

مهدی سجودی مقدم



خیام، عمرین ابراهیم، ق ۵۱۷۶ - ۴۲۲
مجموعه رباعیات عمر خیام / ترجمه بازبینی شده علی سلامی؛ براساس ترجمه انگلیسی ادوارد هنری وینفیلد؛
ویرایش و اعراب‌گذاری رباعیات فارسی مهدی سجودی مقدم.

تهران: مهراندیش، ۱۳۹۵.

۲۲۸ص.

۹۷۸-۹۶۴-۷۷۹۹-۹۰-۵

وینفیلد، ادوارد هنری، ۱۹۲۲-۱۸۳۶ م. مترجم Whinfield, Edward Henry

سلامی، علی، ۱۳۴۶ - مترجم

سجودی مقدم، مهدی، ۱۳۴۰ - ویراستار

۸۵۱/۳۲ ۴۲۸۳۱۰۳ ۱۳۹۵ PIR۴۶۲۵



در این کتاب از «نشانه درنگ» که با علامت «ا» مشخص می‌شود،
استفاده شده است. «نشانه درنگ» نویسه مناسبی است که
بجای ویرگول ناپجا می‌نشیند و بسیاری از دشواری‌های
خواندن درست متن فارسی را نیز برطرف می‌کند.



مجموعه رباعیات عمر خیام

- ترجمه، نظم‌بازبینی شد: دکتر علی سلامی
- براساس ترجمه انگلیسی: ادوارد هنری وینفیلد
- مقابله، تصحیح و اعراب‌گذاری رباعیات فارسی: مهدی سجودی مقدم
- خوشنویسی: اسرافیل شب‌چی • بیناتور: صادق تبریزی
- مدیر هنری: نرگس پاینده داری‌نژاد • صفحه‌آرایی: مهراندیش
- ناظر فنی: الهام سجودی
- چاپ اول: تهران، ۱۳۹۶ • چاپ: نشانه • ۱۰۰۰ نسخه • شماره نشر: ۱۴۸
- شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۷۹۹-۹۰-۵



هرگونه خلاصه‌نویسی، تکثیر و یا تولید مجدد این کتاب، شامل تصحیح اصل رباعیات
و ترجمه (ویرایش شده یا جدید) انگلیسی آن‌ها، به‌صورت کامل و یا بخش‌بران، اعم
از چاپ، کپی، فایل صوتی یا الکترونیکی بدون اجازه کتبی ناشر ممنوع و موجب پیگرد
قانونی است.

انتشارات مهراندیش

خیابان انقلاب، بین خیابان دانشگاه و ابوریحان، خیابان روانمهر، شماره ۳۶

تلفن: ۰۲۱-۶۶۹۵۵۳۵۶ • ۰۹۱۲۵۵۹۱۶۰۲

www.mehrandishbooks.com mehrandishpub@gmail.com

www.ketab.ir/mehrandishbooks



در چشم خرد 'گوهر' بیش مانیم
بی هیچ شکی نقش نگینش مانیم

مقصود ز جمله آفرینش مانیم
این دایره جهان چو انگشتی است

مقدمه

بر اساس منابع کهن موجود از قبیل چهارمقاله نظامی عروضی و تاریخ بیهقی نمی‌توان به تاریخ فیض، تولد و وفات خیام دست یافت، اما بنا بر تحقیقات جدیدتر و من جمله سعادت برهنه‌نگستان علوم اتحاد جماهیر شوروی (سابق) و آنچه در دانشنامه بریتانیکا آمده، حکیم ابوالفتح غیاث‌الدین عمر بن ابراهیم خیام نیشابوری معروف به حکیم خیام در اردیبهشت سال ۴۲۷ هجری در نیشابور متولد و در آذر سال ۵۱۰ در نیشابور در سن ۸۱ سالگی از دنیا رفت.

خیام هر چند «حجة الحق» خوانده می‌شود اما قالی از آنکه شاعر و ادیب باشد، فیلسوف، ریاضی‌دان و ستاره‌شناس، حکیم و فقیه است. تحقیق وسیع در معادلات درجه اول و دوم و سوم؛ بررسی، شناسایی و طبقه‌بندی معادلات درجه سوم؛ مطالعه و بررسی اصول موضوعه هندسه اقلیدسی؛ محاسبات کردی در نجوم؛ محاسبه مدار گردش کره زمین به دور خورشید و اصلاح گاه‌شماری آن؛ تعیین وزن مخصوص اجسام؛ جهت‌شناسی و بسیاری آثار دیگر خیام را در جایگاه یکی از بزرگ‌ترین ریاضی‌دانان و دانشمندان قرون وسطی قرار داده است.

با این همه همان رباعیات به‌جامانده خیام را به شاعری جاودانه در تاریخ بشریت تبدیل کرده است. خیام از قالب «رباعی» که قالبی اختصاصاً ایرانی است، برای بیان افکار و اندیشه‌هایش استفاده کرد، قالبی روان و دلنشین که به سهولت بر دل و جان مردم می‌نشیند و در اذهان طبقات مختلف مردم به یادگار می‌ماند.



نخستین کسی که در ایران اقدام به مطالعه و پژوهش علمی در خصوص تشخیص رباعیات اصیل خیام و جداسازی آن‌ها کرد، صادق هدایت است. پس از آن باید به مجموعه ارزشمند محمدعلی فروغی (ذکاءالملک) اشاره کرد که در سال ۱۳۲۱ به همراه قاسم غنی رباعیات حکیم خیام نیشابوری را منتشر نمود و طی آن و بر اساس بررسی و تحقیقی ارزشمند^۱ از مجموع رباعی‌های منسوب به خیام تعداد ۱۸۷ رباعی به عنوان رباعیات خیام انتخاب و معرفی گردید. (که البته از این تعداد هم تنها ۶۶ رباعی را قطعاً از خیام می‌داند. در مجموعه حاضر این رباعی‌ها با علامت * مشخص شده‌اند).

اما در روضه بررسی و تشخیص اصالت رباعی‌ها که بگذریم، قدیمی‌ترین مجموعه رباعی‌های منسوب به خیام را جمع‌آوری کرده و به سلیقه خود مدون نموده، مجموعه‌ای است مشتمل بر ۵۵۹ رباعی متعلق به قرن نهم هجری از یار احمد بن حسین شیرازی تبریزی که در تاریخ ۸۶۷ هجری قمری تألیف شده و به حساب ابجد طریقه ۱۱ نامیده شده است.

کتاب حاضر شامل ۸۰۰ رباعی انتخابی از مجموعه طریخانه است که به صورت دوزبانه (فارسی و انگلیسی) تنظیم و تدوین شده است. در بخش فارسی، ضمن مقابله با نسخ دیگر و ضبط‌ها و روایت‌ها، گوناگونی که از رباعی‌ها وجود داشته، ابتدا مناسب‌ترین و منطقی‌ترین روایت انتخاب گردید و سپس بر اساس دستور نوین خط فارسی اعراب‌گذاری شد تا رباعیات هم به سهولت خوانده شوند و هم از هرگونه تشکیک در معنی و برداشت‌های مردم جلوگیری شود.

در بخش انگلیسی به خلاف معمول ۱۵۰ سال اخیر که ترجمه ادوارد فیتزجرالد تقریباً تنها محل مراجعه انگلیسی رباعیات خیام بوده است، از ترجمه وفادارانه و البته کمتر شناخته شده ادوارد هنری وینفیلد استفاده شده است. ترجمه فیتزجرالد بالاینکه بیشترین نقش را در معرفی خیام به مردم دنیا داشته، اما همان‌طور که خودش هم می‌گوید، ترجمه‌ای آزاد از رباعیات خیام است و



۱. به تصحیح استاد علامه جلال‌الدین همایی، انجمن آثار ملی، ۱۳۴۲، رباعیات خیام (طریخانه)، یار احمد بن حسین رشیدی تبریزی.

بسیاری از ظرائف و لایه‌های پنهان شعر خیام را به زبان مقصد منتقل نکرده است. در حالی که در ترجمه وینفیلد این نقص تا حدودی برطرف شده و با ترجمه‌ای روبرو هستیم که تا حدود زیادی مطابق زبان مبدأ است.

در عین حال به ترجمه متمایز وینفیلد نیز قناعت نکرده و دکتر علی سلامی که برخی آثار به زبان انگلیسی‌شان را دانشگاه‌های معتبر دنیا به چاپ رسانده‌اند، با احاطه به ادبیات فارسی و تسلط تحسین‌برانگیز در زبان و ادبیات انگلیسی ضمن 'زنگری و ویرایش کامل ترجمه وینفیلد' بسیاری از آن‌ها را با توجه به برداشتی که از رباعی داشته، از نو ترجمه کرده و در مجموع ترجمه انگلیسی تازه‌ای از رباعیات خیام خلق شده است.

در نسخه پیش‌رو با آنکه به زیبایی‌های تصویری و استفاده صحیح از رنگ و همچنین مصاحبت به توجه خاص شده، اما در عین حال 'نفاست اثر بیشتر در متن تصحیح شده، اعراب‌گذاری دقیق و صفحه‌آرایی ساده و زیبا جستجو شده است، و در عین حال با همه دقتی که در تهیه و تدوین آن شده و بیش از ۱۰ بار خوانده شده است، بدون تردید حالی از نقص نمانده بود. اظهار نظر خوانندگان و نقد و بررسی اصحاب ادب این امکان را فراهم می‌سازد که در چاپ‌های بعدی نواقص احتمالی را برطرف کنیم و نسخه دقیق‌تر و آراسته‌تری را به علاقه‌مندان تقدیم نماییم.

در همین جا لازم می‌دانم از جناب صادق تبریزی، استاد گرانقدر، که اجازه دادند از آثار ارزشمند مینیاتور ایشان استفاده کنیم، تشکر کنم. هنر و زحمات خانم نرگس پاینده داری‌نژاد، مدیر هنری این مجموعه، نیز شایسته تحسین و تقدیر همیشگی است.

خیام با آنکه در دوره شاهان زورگو و مستبد زندگی می‌کرد، در طول عمر بلند خود مدح پادشاه و حکمرانی را نگفت و در گرانقدر شعرش را به پای هیچ دیو و ددی نریخت. جوهر زندگی و هدف آفرینش را تحسین کرد و شرافت و اعتلای انسانی را ارج گذاشت.



کم کن طمع از جهان که باشی خرسند از نیک و بد زمانه بگسل پیوند
هان می خور و موی دلبری گیر که زود هم بگذرد و نماند این روزی چند

دنیای خیام، دنیایی پاک، بی غل و غش، روشن، شاد، سرسبز و سعادتمند
است. دنیایی که به ارزش لحظات عمر آدمی واقف است، سرمایه بی بدیل عمر
را به عقاید نادرست و موهوم بر باد نمی دهد، دنیایی که از نعمت ها و مواهب
بی حد و حصر خداوند بهره می برد، دنیایی که آکنده از مهر و محبت است و انسان
این دردانه آفرینش را عزیز می دارد...

دنیای غرق گل و شکوفه و بهار و سرمستی...

چنین باد...



دستم همه با ساغر مل پیوندد صدم همه با چو گل پیوندد
از هر بنی نیب خود بردارم زان پیش که جزویم، به کل پیوندد

بی سجودی مقدم

خرداد ۱۳۹۵ هـ

انتشارات مهراندیش در نظر دارد آثار شاعران کهن و معاصر ایران و همچنین برخی متون فاخر ادبیات ملل را با تصحیح و ویراستاری جدید و حتی المقدور به صورت دوزبانه منتشر کند.

مشکلات همین کاری کم نیستند و بخصوص در بخش ترجمه به زبان دوم این مشکلات و محدودیت‌ها چند برابر می‌شوند. به سهم خویش تلاش می‌نیم از هر دو بخش فارسی و انگلیسی 'کلیه مراحل، اعم از تصحیح و ترجمه و همچنین تدوین و چاپ و صحافی با بیشترین دقت و تأمل در رود و حاصل کار به گونه‌ای آراسته و با کمترین اشتباه تقدیم گردد.

بدون تردید نظرات راهگشای صاحبان و استقبال علاقه‌مندان بزرگ‌ترین مشوق ما در اجرا و پیشبرد این برنامه ارزنده‌مند است.

ناشر



فهرست مطلع رباعیات

۶۰	بادِ خرابات ز می خوردنِ ماست
۳۹	ابر آمد راز بر در سبزه گریست
۱۹۴	آدم چو صاعقه ای بُد و روح چومی
۱۷۵	آزارِ دلِ خلقِ مجویم شبی
۱۱۵	آغازِ دوان گشتنِ آن زینِ ساس
۳۷	آمد رمضان و موسمِ باده برکت
۱۱	آمد سحری ندا ز میخانه ما
۹۲	آنان که اسیرِ عقل و تمییز شدند
۹۴	آنان که به کهنه و به نو موصوف اند
۶۷	آنان که جهان 'زیرِ قدمِ فرسودند
۶۵	آنان که خلاصه جهان 'ایشان اند
۱۱۱	آنان که ز پیش رفته اند، ای ساقی
۸۸	آنان که محیطِ فضل و آداب شدند
۳۹	آن باده که قابلِ صُورهاست به ذات
۱۲۷	آن به که به جامِ باده دل شاد کنیم
۱۴۸	آن را که وقوفست بر احوالِ جهان
۶۳	آن روز که توسنِ فلک زین کردند
۹۳	آن عقل که در ره سعادت پوید



- آن قصر که بر چرخ همی زد پهلوی ۱۵۷
- آن قصر که جمشید درو جام گرفت ۳۸
- آن قوم که سجاده پرستند، خرد ۶۴
- آن کاسه گری که کاسه سرها کرد ۹۷
- آن کس که گنه به نزد او سهل بود ۶۴
- آن کس که به جملگی تو را تکیه بر اوست ۴۰
- آن کس که زمین و چرخ افلاک نهاد ۶۲
- آن کود که خانه به سبیلت رفته ۱۶۵
- آن لاله که از جل گریزان گردیم ۱۲۷
- آن لعل که در کاس دگر است ۲۱
- آن مرد نی ام : عا سم یی بد ۹۱
- آنم که پدید گشتم به سر تو ۱۵۸
- آن ها که اساس کار بر زر نهند ۹۹
- آن ها که به فکر دُر معنی سفتند ۹۶
- آن ها که درآمدند و در جوش شدند ۹۹
- آن ها که فلک دیده دهر آریند ۹۲
- آن ها که کِشند نبید ناب اند ۹۴
- آورد به اضطرام اوّل به وجود ۶۵
- اجرام که ساکنان این ایوان اند ۲
- احوال جهان بر دلم آسان می کن ۴
- از آب عدم تخم مرا کاشته اند ۹۵
- از آتش آخرت نمی داری پاک ۱۲۱
- از آتش این طایفه جز دودی نیست ۴۰
- از آمدن بهار و از رفتن دی ۱۷۶
- از آمدن و رفتن ما سودی کو؟ ۷۷
- از باد صبا دلم چو بوی تو گرفت ۵۶



- از بودنی ای دوست چه داری تیمار؟ ۱۰۱
- از تن چو برفت جان پاک من و تو ۱۵۷
- از جرم حسیض خاک تا اوج زحل ۱۲۳
- از جمله رفتگان این راه دراز ۱۰۶
- از حادثه جهان آینده مترس ۱۱۵
- از خالق کردگار و ز رب رحیم ۱۲۴
- از درس علوم جمله بگریزی به ۱۷۰
- از دفتر عمر خود گشودم فالی ۱۷۶
- از فصل عنان بیچ و در ساغر پیچ ۶۰
- از گردش این زمانه دون پرور ۱۰۲
- از دشر روزگار بهری برگیر ۱۰۰
- از مطبخ دنیا و هوس خوری ۱۷۵
- از من بر خیام سانیب نام ۱۴۱
- از من بر مصطفی رسانید نام ۱۴۰
- از منزل کفر تا به دین یک نفس است ۲۰
- از هر چه به جز می است، کون نمی ۱۶۳
- از هرزه به هر دری نمایی تاخت ۲۳
- از واقعه ای تو را خبر خواهم کرد ۹۷
- اسرار ازل را نه تو دانستی و نه من ۱۵۶
- اسرار حقیقت نشود حل به سؤال ۱۲۳
- افتاده مرا با می و مستی کاری ۱۳۳
- افسوس بر آن دل که در او سودی نیست ۵۵
- افسوس که نان پخته خامان دارند ۶۳
- افسوس که سرمایه ز کف بیرون شد ۶۷
- افسوس که نامه جوانی طی شد ۶۸
- افلاک که جز غم نَفزایند دگر ۱۰۰



- ۵۵ اکنون که جهان را به خوشی دسترسی ست
- ۶۶ اکنون که ز خوش دلی به جز نام نمآند
- ۳۸ اکنون که گل سعادتت پُربار است
- ۲۲ امروز تو را دسترس فردا نیست
- ۳۹ امروز که آدینه مر او را نام است
- ۲۲ امروز که نوبت جوانی من است
- ۱۱ امشب بر ما 'مست' که آورد تو را؟
- ۸۴ امشب می جام یک منی خواهم کرد
- ۶۵ اندیشه بزم من به خاطر گذرد
- ۱۶۴ اندیشه بر پیشان شصت منه
- ۱۰۶ او را خواهی زن فرزند دُر
- ۱۷۵ اول به خودم چو اسنامی کردم
- ۱۵۸ ای آب حیات 'مُضَمَّر' اند لب تهِ
- ۱۴۷ ای آن که تویی خلاصه کون و مکان
- ۱۹۶ ای آن که خلاصه چهارارکانی
- ۱۷۲ ای آنکه نتیجه چهار و هفتی
- ۱۷۳ ای از حرم ذات تو عقل آگه نی
- ۱۸۸ ای باده ناب و ای می مینایی
- ۱۰۹ ای بر همه سروران عالم فیروز
- ۶۰ ای بس که نباشیم و جهان خواهد بود
- ۱۷ ای بی خبر از کار جهان، هیچ نه ای
- ۶۲ ای بی خبران، عشوه دنیا مخرید
- ۴۰ ای بی خبر این شکل مجسم هیچ است
- ۱۹۷ ای چرخ، چه کرده ام تو را، راست بگوی
- ۱۷۳ ای چرخ، دلم همیشه غمناک کنی
- ۱۲۴ ای چرخ، ز گردش تو خرسند نی ام



- ای چرخ فلک، خرابی از کینه توست ۲۱
- ای چرخ فلک، نه نان شناسی نه نمک ۱۲۰
- ای چرخ، همه خسیس را چیز دهی ۱۹۴
- ای خواجه، یکی کامروا کن ما را ۱۲
- ای خوش پسرِ غمزه گر رنگ آمیز ۱۰۹
- ای در ره بندگیت یکسان که و مه ۱۶۹
- ای در طلب تو عالمی در شروشور ۱۰۳
- ای دل، تو به ادراک معما نرسی ۱۷۱
- ای دل، پو به بزم آن صنم بنشستی ۱۷۱
- ای دل، حقیقت جهان هست مجاز ۱۰۶
- ای دل، چه زمانه می کند غمناکت ۹۱
- ای دل، پونه لب ته همه خون شدن است ۲۲
- ای دل، ز غبار حسد اگر پاک شوی ۱۷۴
- ای دل، می و معسر بکن در باقی ۱۷۷
- ای دل، همه اسباب جهان راسته گیر ۱۰۱
- ای دهر، به کرده های خود معرفی ۱۹۵
- ای دوست، بیا تا غم فردا نخوریم ۱۲۸
- ای دوست، حقیقت شنواز من سخنی ۱۹۰
- ای رب، بگشای بر من از رزق دری ۱۹۳
- ای رفته به چوگان قضا هم چون گو ۱۶۰
- ای رفته و باز آمده 'بَلْ هُمْ گشته ۵۹
- ای زندگی تن و توانم همه تو ۱۶۰
- ای سوخته سوخته سوختنی ۱۹۳
- ای عارض تو نهاده بر نسرین طرح ۶۱
- ای کاش که جای آر میدان بودی ۱۷۷
- ای کرده به لطف و قهر تو صنع خدا ۱۶



- ای گل، تو به روی دلربا می‌مانی ۱۷۴
- ای مانده شب و روز به دنیا نگران ۱۴۷
- ای مُفتی شهر از تو پرکارتریم ۱۲۷
- ای نیک نکرده و بدی‌ها کرده ۱۶۴
- ای هم‌نفسان، مرا ز می قوت کنید ۶۳
- ای واقف اسرار ضمیر همه کس ۱۱۴
- ای بار، ز روزگار باش آسوده ۱۶۳
- ایام جوانی ست شرابِ اولی‌تر ۱۰۲
- ایرد به بهشت آمده ما را می‌کرد ۶۶
- ایزد چرخ خواست آنچه من خواسته‌ام ۱۴۵
- این اهل قبر خوار، نُشسته و غبار ۱۰۱
- این جمع اکابر به مناسبت دارند ۶۷
- این چرخ جفاپیشه و عالی‌بیاد ۶۸
- این چرخ چو تاسی ست نرس افتاده ۱۶۴
- این چرخ فلک بهر هلاک من و تو ۱۵۶
- این چرخ فلک که ما در آن حیرانیم ۱۲۸
- این چرخ که با کسی نمی‌گوید راز ۱۰۹
- این خلق همه خران با افسوس اند ۹۶
- این دهر که بود مدتی منزل ما ۱۰۱
- این صورت کون جمله نقش است و خیال ۱۱۱
- این قافله عمر عجب می‌گذرد ۶۲
- این کار جهان اگر به تقلیدستی ۱۷۳
- این کهنه رباط را که عالم نام است ۳۸
- این کوزه چو من عاشق زاری بوده ست ۲۳
- این گنبد لاجوردی و زرین‌تشت ۵۸
- این هستی تو، هستی هست دگر است ۶۰



- این یک دو سه روزه نوبتِ عمر 'یگشت' ۲۱
- با آن دو سه نادان که چنان می دانند ۶۸
- با بادۀ 'نشین که مُلکِ محمود این است' ۵۶
- با بَط می گفت ماهی ای در تب و تاب ۲۰
- با تو به خرابات اگر گویم راز ۱۱۰
- با حکمِ خدا به جز رضا در نگرفت ۲۵
- با درد بساز تا دواپی یابی ۱۸۱
- با دشمن و دوست 'فعلِ نیکو، نیکوست' ۵۹
- با راز تو من از گنه نندیشم ۱۳۰
- با زبانی پندیده از عالمِ راز ۱۱۰
- با سب و قدس نازد از خرمنِ گل ۱۲۲
- با سیفله نندخوری من عقل و وقار ۱۰۳
- با ما تو هر آنچه از رو کن گویی ۱۷۸
- با ما درم قلب نمی نیرد جنت ۲۵
- با مردم پاکباز و عاقل 'امین' ۱۱۰
- با مطرب و می حوز سرشتی هر هست ۴۱
- با نفس همیشه در نبردم، چه کنم ۱۳۲
- با هر بد و نیک 'راز نتوانم گفت' ۲۴
- بتخانه و کعبه 'خانهٔ بندگی است' ۲۴
- بت گفت به بت پرست کای عابد ما ۱۵
- برتر ز سپهر 'خاطر من روز نخست' ۵۱
- بر چرخ فلک هیچ کسی چیر نشد ۱۵
- بر چهرهٔ گل نسیم نوروز خوش است ۵۲
- بر خود در کام و آرزو در بستم ۱۲۹
- بر خیز بده جام، چه جای سخن است؟ ۵۲
- بر خیز و بکوب پای تا دست زنیم ۱۲۹



- برخیز و بیا، بیا برای دلِ ما ۱۲
- برخیز و مخور غمِ جهانِ گذران ۱۴۸
- بردار پیاله و سبو، ای دلجو ۱۵۸
- بر رهگذرم هزار جا دام نهی ۱۷۲
- بر کوزه‌گری پَریر کردم گذری ۱۹۵
- بر گیر ز خود حسابی آر باخبری ۱۷۸
- بر بویِ نشانِ بودنی‌ها بوده‌ست ۲۴
- بر مفرّش خاکِ خفتگان می‌بینم ۱۳۰
- بر موجِ عقلِ ننگ‌نی کردن ۱۵۶
- بس خونِ کس که بخ بی‌باک بریخت ۵۷
- بسیار بگشتیم و گیر، در و دشت ۵۹
- بشنو ز من ای زبدِ یارانِ مهن ۱۴۹
- بگشای دری که درگشاینده نوی ۱۷۸
- بنگر ز جهان چه طُرف بر بس، هیچ ۶۱
- بنگر ز صبا دامنِ گل چاک شده ۱۶۶
- بی باده مباش تا توانی یکدم ۱۲۹
- بیگانه اگر وفا کند، خویش من است ۲۵
- پاک از عدم آمدیم و ناپاک شدیم ۱۴۲
- پُر خون ز فراقِ جگری نیست که نیست ۲۶
- پندی دهمت اگر به من داری گوش ۱۶
- پیرانه سرم عشقِ تو در دام کشید ۲۳
- پیش از من و تو لیل و نهارِ بوده‌ست ۶۹
- پیوسته خرابات ز رندان خوش باد ۱۹۶
- پیوسته ز بهر شهوتِ نفسانی ۱۳۰
- پیوسته ز گردشِ فلک غم‌گینم ۱۴۹
- تا بتوانی خدمتِ رندان می‌کن



- تا بئوانی رنجه مگردان کس را ۱۵
- تا چند اسیرِ رنگ و بو خواهی شد؟ ۶۹
- تا چند اسیرِ عقلِ هرروزه شویم؟ ۱۳۱
- تا چند حدیث پنج و چهار، ای ساقی؟ ۱۸۱
- تا چند ز مسجد و نماز و روزه؟ ۱۶۶
- تا چند زخم به روی دریاها خشت؟ ۵۱
- تا چند ز یاسین و برات، ای ساقی؟ ۱۸۲
- تا چند کنیم عرضه نادانی خویش ۱۱۶
- تا چند دمت کنی ای زاهدِ خام؟ ۱۳۱
- تا چند به لب آمیخته اند ۹۴
- تا در برِ توست است جوان و رگ و پی ۱۸۳
- تا در هوسِ امشب بیا می ای ۱۸۳
- تا زهره و مه در آستانِ نیت دید ۸۸
- تا ظنِ نبری کز آن جهان مستی ۱۳۱
- تا ظنِ نبری که من به خود و خودم ۱۴۶
- تا کی ز ابد حدیث و تا کی ز ازل؟ ۱۲۴
- تا کی غم آن خورم که دارم یا نه؟ ۱۶۵
- تا هشیارم، طرب ز من پنهان است ۲۶
- تا یارِ شرابِ جان فزایم ندهد ۶۹
- ترسِ اجل و وهمِ فنا هستیِ توست ۲۱
- ترکیبِ پیاله ای که در هم پیوست ۱۶
- تن در غمِ روزگارِ بیداد مده ۱۶۶
- تن زن چو به زیرِ فلک بی باکی ۱۸۲
- تنگی می لعلِ خواهم و دیوانی ۱۸۱
- تیری که اجل کشد، سرها هیچ است ۴۷
- جامی ست که عقل 'آفرین می زندش' ۱۱۹



- جانا، من و تو نمونه پُرگاریم ۱۳۲
- جانا می صافِ نامشوَش می خور ۱۰۴
- جانم به فدایِ آن که او اهل بود ۹۸
- جز حق حَکمی که حُکم را شاید، نیست ۵۸
- چندان بخورم شراب 'کاین بوی شراب ۱۶
- چندان غم بیهوده مخور، شاد بزی ۱۹۷
- چندان کرم و لطف 'ز آغاز' چه بود؟ ۹۹
- چندان که ز خود نیست ترم، هست ترم ۱۴۱
- چندان که نگاه ما کسم هر سویی ۱۸۲
- چون آگهی از پسِ پیرِ اسراری ۱۸۳
- چون آمدنم به سر بُند و رِخت ۵۱
- چون بلبلِ مست 'راه در بستان یافت ۴۱
- چون جنسِ مرا خاصه بداند ۱۹۵
- چون حاصلِ آدمی در این شورستان ۱۵۵
- چون عمر به سر رسد، چه شیرین و چه ح ۶۱
- چون عَهده نمی شود کسی فردا را ۱۳
- چون فوت شوم، به باده شویید مرا ۱۲
- چون کار 'نه بر مراد ما خواهد بود ۲۷
- چون لاله به نوروز 'قدح گیر به دست ۲۷
- چون مُرده شوم، خاکِ مرا گم سازید ۱۰
- چون نیست حقیقت و یقین اندر دست ۱۰۷
- چون نیست درین زمانه سودی ز خُرد ۹۵
- چون نیست ز اختر آنکه رو داد قرار ۱۰۳
- چون نیست مقام ما در این دهر 'مقیم ۱۳۲
- حالِ گل و مُل باده پرستان دانند ۷۳
- حق جان جهان است و جهان 'جمله بدن ۱۴۹



- حکمی که از او محال باشد، پرهیز ۱۱۱
- خرم دل آن کسی که معروف نشد ۷۳
- خشت سر خُم ز مُلکتِ جم خوش تر ۱۰۵
- خواهی بنهد پیش تو گردون گردن ۱۵۰
- خواهی که پسندیده ایام شوی ۱۹۶
- خورشید کمند صبح بر بام افکند ۹۸
- خوش باش که پخته اند سودای تو دی ۱۹۳
- خوش باش که دهر بی کران خواهد بود ۷۰
- حید، آره خرگه چرخ کبود ۷۰
- خام، اگر باده مستی، خوش باش ۱۱۶
- خیال بر من، مرگنه ماتم چیست؟ ۲۸
- خیام، دست به خیمه ها، مائد راست ۴۲
- خیام که خیمه های حکمت می دوخت ۴۲
- دادم به امید زندانی بر باد ۷۴
- دارنده چو ترکیب طبایع راست ۵۸
- در باغ چو بُد غوره تُرش اول دی ۱۸۴
- در بی خبری مرد چه هشیار و چه مست ۱۵۷
- در پای اجل چو من سرافکنده شوم ۱۳۴
- در پرده اسرار کسی راه نیست ۲۸
- در جام طرب باده گل رنگ خوش است ۴۳
- در جستن جام جم جهان پیمودم ۱۴۵
- در چشم محققان چه زیبا و چه زشت ۵۹
- در حکمت اگر ارسطو و جمهوری ۱۸۵
- در خواب بدم مرا خردمندی گفت ۲۹
- در دایره سپهر ناپیدا غور ۱۰۵
- در دایره وجود دیر آمده ایم ۱۳۴



- در دل که درو مایه تجرید کم است ۴۷
- درده می لعل لاله گون صافی ۱۸۵
- در دهر 'بدان' نهال تحقیق نرست ۵۵
- در دهر کسی به گل عذاری نرسید ۷۵
- در دهر 'هر آن که نیم نانی دارد' ۷۴
- در دیده تنگ مور 'نورست از تو' ۱۶۰
- در 'سیاز' هر دلی را دریاب ۱۶
- در سر مگذا، هیچ سودای محال ۱۲۲
- در سره سی بتا چون حورم باد ۷۶
- در شعبده خانه جان یار مجوی ۱۸۴
- در صومعه و مدرسه دیر و کشت ۲۹
- در عالم بی وفا که منزلت گماشت ۲۸
- در عالم جان به هوش می بند بود ۷۴
- در عالم خاک 'از کران تا به کران' ۱۵۰
- در عشق تو صدگونه ملامت بکشم ۱۳۳
- در فصل بهار اگر بتی حوز سرشت ۴۲
- در کتم عدم خفته بدم، گفتم، خیز ۱۱۴
- در کارگه کوزه گری رفتم دوش ۱۱۷
- در کارگه کوزه گری کردم رای ۱۶
- در گردش این دایره بی پایان ۴۷
- در مسجد اگر چه با نیاز آمده ام ۱۱۱
- در ملک تو از طاعت من چند فزود؟ ۷۵
- در میکرده جز به می وضو نتوان کرد ۷۳
- در هر دشتی که لاله زاری بوده ست ۴۹
- دریاب که از جسم 'جدا خواهی رفت' ۴۳
- دست چو منی که جام و ساغر گیرد ۷۵



- دشمن به غلط گفت که من فلسفی ام ۱۴۱
- دل‌تنگ شوی، یک جُوکی بَنگ بخور ۱۰۴
- دل چراغی ست که نور از رخِ دلبر گیرد ۹۷
- دل 'راز حیات اگر گماهی دانست ۳۰
- دل گفت مرا علمِ لَدُنّی هوس است ۵۱
- دنیا به مراد 'رانده گیر، آخر چه؟ ۱۶۷
- دنیا چو فناست، من به جز فن نکنم ۱۳۴
- دنیا دیدی و هر چه دیدی، هیچ است ۲۹
- دو چپ به هست مایه دانایی ۱۸۴
- درین جهان بر می و ساقی هیچ است ۴۳
- ده عقل نه راق و نه هشت بهشت ۵۶
- دهقانِ قضای چو سگشت و درود ۴۱
- دی بر لب جوی بنگار موزن ۱۵۱
- دیری ست که صد هزار عین در است ۵۷
- دیشب ز سر صدق و صفای من ۱۵۰
- دی کوزه گری بدیدم اندر بازار ۱۰۴
- دیگر غم این گردشِ گردون نخوریم ۱۳۳
- راز از همه ناگسان 'نهان باید داشت ۳۰
- رفتن چو حقیقت است، پس بودن چیست؟ ۴۴
- رفتند و ز رفتگان یکی نامد باز ۱۱
- رفتیم و ز ما زمانه آشفته بماند ۷۶
- رندی دیدم نشسته بر خنکِ زمین ۱۵۱
- رُو بر سرِ افلاکِ جهان خاک انداز ۱۱۱
- روبی خبری گزین اگر باخبری ۱۸۶
- روزی ست خوش و هوا نه گرم است و نه سرد ۷۶
- روزی که به دست برنهم جام شراب ۱۹



- روزی که جزای هر صفت خواهد بود..... ۹۶
- روزی که دو مهلت است، می خور، می ناب ۱۹
- روزی که شود إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ ۳۰
- زان پیش تر ای صنم که در رهگذری ۱۸۶
- زان پیش که از جام اجل مست شوی ۱۸۷
- زان پیش که بر سرت شبیخون آرند ۷۷
- راهد، کرم تورا چوما نشناسد..... ۸۶
- زهار، کنون که می توانی 'باری' ۱۸۷
- زین گداز گردد بدفاعالی بین ۱۵۵
- زین گونه که من کار جهان می بینم ۱۳۵
- سازنده کار مرده و زنده نویی ۱۸۷
- ساقی، چو زمانه در شکست می توست ۳۱
- ساقی، می خوشگوار بر دستم ۱۶۷
- سِرّت همه دانای فلک می داند ۷۷
- سرمست 'به میخانه گذر کردم دوش ۱۱۷
- سَنّت مکن و فریضه حق مگذار ۱۰۲
- سودازده را باده 'پروبال بُود ۷۸
- سیم ارچه نه مایه خردمندان است ۵۷
- شب نیست که عقل 'در تحیر نشود ۲۱
- شرمت ناید از این تباهی کردن؟ ۵۱
- شیخی به زنی فاحشه گفتا مستی ۱۸۸
- صبح است، دمی بر می گل رنگ زنیم ۱۳۵
- طبعم به نماز و روزه چون مایل شد ۷۸
- طبعم همه با روی چو گل پیوندد ۷۹
- عاشق 'همه سال مست و رسوا بادا ۱۳
- عاقل به چه امید در این شوم سرا ۱۳



- عالم همه گر چو گوی افتد کویی ۱۸۸
- عشقی به کمال و دلربائی به جمال ۱۲۲
- عشقی که مجازی بُود، آبش نَبُود ۷۹
- عمرت تا کی به خودپرستی گذرد؟ ۷۹
- عمرت چو دوصد بُود، چه سیصد چه هزار ۱۰۵
- عمری به گل و باد به برقتیم و بگشت ۳۱
- عمری ست که مداحی می ورد من است ۴۴
- غم چند خوری به کارِ ناآمده پیش؟ ۱۱۹
- فاسق و رانند مردمانم پیوست ۴۴
- فانی که نیک بختان بخشند ۱۰۰
- فرزین صف! نه به غمها شدم ۱۴۵
- فریاد که عمرت به موده ۱۶۸
- قرآن که بهین کلام خواند او را ۱۴
- قطره بگریست که از بحر جدید همه ۱۶۵
- قومی ز گزاف در غرور افتادند ۸۰
- قومی متفکرند اندر ره دین ۱۵۲
- کردیم دگر شیوه رندی آغاز ۱۱۲
- کس را پس پرده قضا راه نشد ۸۲
- کس مشکل اسرارِ اجل را نگشاد ۸۲
- کم کن طمع از جهان که باشی خرسند ۸۲
- گاوی ست در آسمان و نامش پروین ۱۵۳
- گر آمدنم به من بُدی، نامدمی ۱۹۴
- گر از پی شهوت و هوا خواهی رفت ۴۵
- گر باخردی، تو حرص را بنده نشو ۱۶۳
- گر باد به کوه دَردهی، رقص کند ۸۰
- گر بر فلکم دست بُدی چون یزدان ۱۵۳



- گر دست دهد ز مغزِ گندم نانی ۱۹۰
- گردون 'نگری ز قدِ فرسوده ماست ۴۵
- گر روی زمین به جمله آباد کنی ۱۸۹
- گر شادی خویشتن بدان می دانی ۱۸۹
- گر شهره شوی به شهر، شرألتاسی ۱۹۰
- گر صلح نیابم ز فلک، جنگ اینک ۱۲۰
- گر غما بُود نصیبِ ما، خار بس است ۱۲۰
- گر گوهر طاعتت سُفتم هرگز ۱۱۲
- گر من ز بی مُغاه هستم، هستم ۱۳۶
- گر من گدایی ز من کردستم ۱۳۵
- گر می نخوری، لعنت زنِ مسلمان را ۱۴
- گل گفت که من یوسف و سرِ حنم ۱۴۲
- گه شربتِ عیش 'صاف باشد که دُر ۸۱
- گه گشته نهان، رو به کسی نسیبی ۱۸۹
- گهگه دلِ من در این قفس تنگ آید ۸۱
- گویند مخور باده به شعبان، نه رواست ۳۷
- گویند به حشر 'گفت وگو خواهد بود ۸۳
- گویند بهشت و حورِ عین خواهد بود ۸۰
- گویند کسان بهشت با حور خوش است ۲۰
- گویند که دوزخی بُود عاشق و مست ۷
- گویند که ماه رمضان گشت پدید ۸۱
- گویند مرا که می تو کمتر خور از این ۱۵۲
- لب بر لب کوزه بُردم از غایتِ آز ۱۱۴
- مائیم نهاده سر به فرمانِ شراب ۱۹
- مائیم و می و مطرب و این کنجِ خراب ۲۰
- ما جای نمازی به لبِ خُم کردیم ۱۳۷



- عالم همه گر چو گوی افتد کویی ۱۸۸
- عشقی به کمال و دلربائی به جمال ۱۲۲
- عشقی که مجازی بُود، آبش نَبُود ۷۹
- عمرت تا کی به خودپرستی گذرد؟ ۷۹
- عمرت چو دوصد بُود، چه سیصد چه هزار ۱۰۵
- عمری به گل و بادیه برفتیم و بگشت ۳۱
- عمری ست که مداحی می ورد من است ۴۴
- غم چند خوری به کار ناآمده پیش؟ ۱۱۹
- ناسو خزانند مردمانم پیوست ۴۴
- فریاد نه به نیک بختان بخشند ۱۰۰
- فرزین عفا! نه دست غمهاست شدم ۱۴۵
- فریاد که عمر رفت بر سهوده ۱۶۸
- قرآن که بهین کلام آید، او را ۱۴
- قطره بگریست که از بر جدیم ۱۶۵
- قومی ز گراف در غرور افتادند ۸۰
- قومی متفکرند اندر ره دین ۱۵۲
- کردیم دگر شیوه رندی آغاز ۱۱۲
- کس را پس پرده قضا راه نشد ۸۲
- کس مشکل اسرار اجل را نگشاد ۸۲
- کم کن طمع از جهان که باشی خرسند ۸۲
- گاوی ست در آسمان و نامش پروین ۱۲
- گر آمدنم به من بُدی، نامدمی ۱۹۴
- گر از پی شهوت و هوا خواهی رفت ۴۵
- گر باخردی، تو حرص را بنده نشو ۱۶۳
- گر باده به کوه دردهی، رقص کند ۸۰
- گر بر فلکم دست بُدی چون یزدان ۱۵۳



- گر دست دهد ز مغز گندم نانی ۱۹۰
- گردون 'نگری ز قدِ فرسوده ماست ۴۵
- گر روی زمین به جمله آباد کنی ۱۸۹
- گر شادیِ خویشتن بد آن می دانی ۱۸۹
- گر شهره شوی به شهر، شرألنّاسی ۱۹۰
- گر صلح نیابم ز فلک، جنگ اینک ۱۲۰
- گر گنا نبُود نصیبِ ما، خار بس است ۱۲۰
- گر گوهر طاعتت نُسفتم هرگز ۱۱۲
- گر من ز بی مُغاه هستم، هستم ۱۳۶
- گر من گشای زمین کردستم ۱۳۵
- گر می نخوری، لعن زنِ مستان را ۱۴
- گل گفت که من یوسف و سرِ حنم ۱۴۲
- گه شربتِ عیش 'صاف باشد کدُرا ۸۱
- گه گشته نهان، رو به کسی نسبی ۱۸۹
- گهگه دل من در این قفس تنگ آید ۸۱
- گویند مخور باده به شعبان، نه رواست ۳۷
- گویند به حشر 'گفت وگو خواهد بود ۸۳
- گویند بهشت و حورِ عین خواهد بود ۸۰
- گویند کسان بهشت با حور خوش است ۱۰
- گویند که دوزخی بُود عاشق و مست ۷
- گویند که ماه رمضان گشت پدید ۸۱
- گویند مرا که می تو کمتر خور از این ۱۵۲
- لب بر لب کوزه بُردم از غایتِ آز ۱۱۴
- مائیم نهاده سر به فرمانِ شراب ۱۹
- مائیم و می و مطرب و این کنجِ خراب ۲۰
- ما جای نمازی به لبِ حُم کردیم ۱۳۷



- ما عاشق و آشفته و مستیم امروز..... ۱۱۳
- ما کافرِ عشقیم، مسلمان دگر است..... ۳۲
- ما کز می بی خودی طربناک شدیم..... ۱۳۸
- ما لُعبَتکُنیم و فلک 'لعبت باز..... ۱۱۲
- ماه رمضان برفت و شوال آمد..... ۹۳
- ما و می و معشوق و صبح، ای ساقی..... ۱۹۱
- ماییم به لطفِ تو تَوَلّا کرده..... ۱۶۸
- ما سَم خریدار می کهنه و نو..... ۱۵۹
- محره مستی که با تو گویم یکدم؟..... ۱۳۷
- مخفی دهم نهسته بر بارهٔ توس..... ۱۱۵
- مسکینِ دا دردم، دیوانهٔ من..... ۱۵۳
- معشوق که در شوم باد دراز..... ۱۱۳
- مقبول و قبولِ خصله و شای..... ۱۹۶
- مقصود ز جمله آفرینش..... ۱۳۸
- من باده خورم، ولیک مستی نکنم..... ۱۳۷
- من بندهٔ عاصی ام، رضای تو کجاست؟..... ۴۵
- من بی می ناب زیستن نتوانم..... ۱۴۶
- من توبه کنم از همه چیز، از می نه..... ۱۶۸
- من در رمضان روزه اگر می خوردم..... ۱۳۸
- من ظاهر نیستی و هستی دانم..... ۱۳۷
- من می خورم و هر که چو من اهل بُود..... ۸۱
- من هیچ ندانم که مرا آن که سرشت..... ۴۶
- می بر کف من نه و برآور غُلغل..... ۱۲۳
- می پرسیدی که چیست این نقشِ مجاز..... ۱۱۳
- می خواره اگر غنی شود، عور شود..... ۸۴
- می خوردن من نه از برای طرب است..... ۳۴



- می خوردن و شاد بودن آئین من است ۳۲
- می خوردن و گیرد نیکوان گردیدن ۱۵۳
- می خور که به زیر گل بسی خواهی خفت ۵۰
- می خور که ز دل 'کثرت و قلت' ببرد ۸۴
- می در قدح 'انصاف' که جانی ست لطیف ۱۱۹
- می در کف من نه که دلم در تاب است ۳۱
- می که خضر خجسته دارد پاسش ۱۱۷
- می گرچه حرام است، مدامش می نوش ۱۱۸
- می گر به حرام است، ولی تا که خوزد ۸۳
- می 'لعل' من آب است و سُرّاحی کان است ۴۹
- می می خورم و خیال آن از پ و راست ۴۶
- می نوش که عمر حرامی این است ۵۰
- نابرده به صبح 'در طلب' نامی ۸۵
- ناکرده گنه در این جهان کیست بگه؟ ۱۵۹
- نتوان به امید شک 'همه عمر نشست' ۱۵۷
- نتوان دل شاد را به غم فرسودن ۱۵۴
- نفسست به سگ خانه همی ماند راست ۳۳
- نقشی ست که بر وجود ما ریخته ای ۱۶۰
- نه سویی وصال تو مرا دسترسی ۱۱۱
- نه لایق مسجدم نه در خورد کینشت ۲۰
- نیک است به نام نیک 'مشهور شدن' ۱۵۴
- نیکی و بدی که در نهاد بشر است ۴۶
- وقت است که از سبزه جهان آریند ۸۵
- وقتی که طلوع صبح آرزق باشد ۸۵
- هان تا بر مستان به درشتی نشوی ۱۹۲
- هان تا ننهی بر تن خود غصه و درد ۸۶



- هان تا ننهیم جام می از کف دست ۱۵۷
- هان کوزه گرا، بپای اگر هُشیاری ۱۷۴
- هر جرعه که ساقی اش به خاک افشاند ۸۶
- هر چند که از گناه 'بدبختم و زشت ۳۴
- هر چند که رنگ و بوی زیباست مرا ۱۴
- هر دل که در آن مهر و محبت بسرشت ۳۳
- هر روز بر آنم که کنم شب توبه ۱۷۰
- هر ز پگا 'در خرابات شوم ۱۳۹
- هر سره که بر کنار جویی رُسته ست ۳۳
- هر صبح که رای لاله شنم گیرد ۸۸
- هر کورقمی ز عقل در دل بنگاشت ۴۷
- هرگز به طرب شربد ای خوریم ۱۳۹
- هرگز دل من ز عدم محرم نشد ۶۴
- هشدار که روزگار 'شورا گیر ۴۹
- هشیار نبوده ام دمی تا مستم ۱۳۶
- هفتاد و دو ملت است در دین کموبیش ۱۱۸
- هنگام پگاه ای صنم فرخ پی ۱۹۲
- هنگام سپیده دم خروس سحری ۱۸۵
- هنگام صبح است و خروش، ای ساقی ۱۹۱
- هنگام گل است، اختیاری بکنم ۱۴۶
- هین صبح دمید و دامن شب شد چاک ۱۲۱
- یاران به موافقت چو دیدار کنید ۹۸
- یاران، چو به اتفاق 'میعاد کنید ۸۷
- یاران موافق همه از دست شدند ۹۳
- یارب، به دل اسیر من رحمت کن ۱۵۴
- یارب، تو کریمی و کریمی کرم است ۴۸



- یارب تو گلم سرشته‌ای، من چه کنم؟ ۱۲۸
- یارب، ز قبول و وز زدم باز رهان ۱۵۵
- یا قوت لب لعل بدخشانی کو؟ ۱۵۹
- یزدان چو گل وجود ما می آراست ۴۸
- یزدان خواهم جهان دگرگون کندی ۱۹۲
- ز جگر می ز ملک کاووس به است ۳۴
- یک جو غم ایام نداریم، خوشیم ۱۳۹
- یک چند به کز کی به استاد شدیم ۱۴۲
- یک دست به مُّ حفیم و یک دست به جام ۱۴۰
- یک روز ز بسبب عالم دادش ام ۱۴۰
- یک روز فلک کار ما سازند ۸۷
- یک نان به دوروز اگر بُرد حاصل شد ۸۷
- یک هفته شراب خورده باشی نیست ۴۸
- یک یک هنرم ببین، گنه دهنده بخش ۱۱۸